مقابله شرع با احتیاط منافی سهولت و بقای شرع

من یک سؤال ساده میکنم؛ احتیاط در شرع خوب است یا بد است؟ هر کسی که ذرهای با شرع آشنا است و اندک ارتکازی دارد میگوید نزد شارع احتیاط خوب است یا بد است؟ خوب است. کسی در این شک ندارد. «فإن الوقوف عند الشبهات خير من الاقتحام في الهلكات[1]»، «أخوك دينك فاحتط لدينك[2]».

> 18:10

خب اگر به این صورت است، کسی به بازار میرود و میخواهد چیزهایی را بخرد، احتیاط بکند؟ بهنحویکه به بیت امام معصوم هم کشیده شود و از ایشان سؤال کنند. قضیه پنیر که در رسائل بود. من روایتی را دیدم، دوباره گشتم پیدا نکردم. میخواستم که مستند بگویم. ولی یادم هست که گفت اطراف مدینه یک دهاتی هست که پنیر آنها به شهر میآید. پنیرها را در آبهای حومه آن ده میگذارند و کلاب در این آبها رفتوآمد میکنند. بعد همین پنیری که در آب بوده به بازار مدینه میآید. من این را دیدهام. اگر شما این روایت را پیدا کردید به من هم بگویید. شبیه این هم هست. در یکی از روایات داشت که از پنیر سؤال کرد. امام چه کار کردند؟ «اعطی غلاما درهما»؛ فرمودند برو پنیر بگیر و بیا. اینجا جای عمل بود. پنیر گرفتند و سفره را پهن کردند و خوردند. احتیاط به این خوبی! چطور امام علیهالسلام عملاً کاری میکنند که این احتیاط بشکند؟! آن چه که در روایت است و جالب است این است: با اینکه دید حضرت دارند میخورند گفت «ما تقول في الجبن»؟ حضرت فرمودند خب میبینی داریم میخوریم! گفت «ارید ان اسمع منک». در کلام هم منظوری داشت که حضرت فرمودند.

ملاحظه میکنید؟ احتیاط خوب است اما چرا امام علیهالسلام احتیاط نکردند؟ در روایات هست، شما بهتر از من میدانید. روایت را نگاه کنید. حضرت فرمودند اگر میخواهی با این «لعل» جلو بروی «لم يبق للمسلمين سوق».[3] یعنی اول نگاه من شارع این است که «یبقی للمسلمین سوق». نظم و نظام و سهولت مراد من است. شرعی بیاید که سوق مسلمین کنار برود که باقی نمیماند. اینها بسیار مهم است. و لذا احتیاطات منافاتی با اینها ندارد. یعنی وقتی شارع میخواهد کل امت را در سهولت قرار بدهد این کار را میکند. حتی حضرت فرمودند من به بازار میروم، پنیر میگیرم، گوشت میگیرم، در آن جا بربر هست، من از کجا میدانم گوسفندی را که کشتهاند بسم الله گفتهاند یا نه. ولی میروم و از گوشت میگیرم و سؤال هم نمیکنم. همین که مسلمان بود کافی است.

این یعنی شارع دارد یک کار طولی انجام میدهد. برای حفظ شریعت و بقاء آن در کل امت اسلامی آسان میگیرد. اصول عقلائیه سهله را اجرا میکند. برای مکلفین در غیر جایی که به این اصل

صدمه بزند میگوید تا میتوانید احتیاط بکنید. شکی هم نیست.

شاگرد: روایتی که هست غیر از بحث جبن است.

استاد:

> **عن عبد الله بن سليمان قال: سألت أبا جعفر ع عن الجبن فقال لقد سألتني عن طعام يعجبني ثم أعطى الغلام درهم فقال يا غلام ابتع لي جبنا و دعا بالغداء فتغدينا معه و أتي بالجبن فقال كل فلما فرغ من الغداء قلت ما تقول في الجبن قال أ و لم ترني أكلت قلت بلى و لكني أحب أن أسمعه منك فقال سأخبرك عن الجبن و غيره كل ما يكون فيه حلال و حرام فهو لك حلال حتى تعرف الحرام بعينه فتدعه[4]**

ببینید این چیز کمی نیست. شما هم که مسأله جواب میدهید هر کجا دیدید که این اصل از بیرون صدمه میخورد، وظیفه شرعی دارید که درست جواب بدهید. اگر دیدید که یک احتیاطی دارد باب میشود که آن احتیاط مرضی نظر اصلی شارع –سهولت شرع و بقاء- نیست. اینجا که جای احتیاط جواب دادن نیست. چون هم احتیاط، مطلوب شارع است و هم مطلوب متشرعه است و از این طرف شارع میخواهد میخ این دو امر را بکوبد چه کار میکند؟ اول میآید با احتیاطات اینچنینی محکم برخورد میکند و میگوید من که احتیاط نخواستم. چرا من احتیاط نخواستم؟ چون اگر در این فضا بروید مقصود اصلی من که بقاء شرع و استیعاب شرع است، صدمه میبیند. لذا این با این مقابله میکند. وقتی مقابل او جا گرفت همانطور که شما فرمودید اگر تاریخ را نگاه کنیم شارع اول میگوید یوم الشک را رها کنید. یوم الشک که از ماه مبارک نیست. تذبذب نباید باشد لذا آن را رها کنید. این رها کنیدی که شارع از روز اول میخش را برای این غرض کوبیده در سنیها نیست. سنیها اهل البیت را کنار گذاشتهاند. گفتهاند شارع میگوید روزه یوم الشک حرام است. شارع میگوید روزه یوم الشک مکروه است. درحالیکه شارع نفرموده مکروه است. شارع برای این غرض خودش که مدیریت است میخش را کوبیده. اگر شما به در خانه اهلبیت رفته بودید دچار این حرفها نمیشدید. این چیزهایی که خلاف ارتکاز بیّن است.

عبارت موسوعه را نگاه کنید. میگوید اگر روزه بگیرد به رجای احتیاط برای شهر مبارک، مکروه است. پناه بر خدا! ببینید! فتوا را ببینید! اگر به رجای احتیاط شهر مبارک روزه بگیرد این روزه مکروه است. این خلاف فطرت هر متدینی است. ولی آنها فتوا میدهند و اینها را میگویند. اما آن چه که شیعه میگوید با توضیحی که من عرض میکنم خیلی روشن است. پس شارع اول میخ این را میکوبد. میخ چیزی را که شریعت سمحه باقی باشد و در امت اسلامی مستوعب باشد. بعد با بیانات ترغیبی ثانوی که در طول مدیریت قبلی است که میخش را محکم کوبید، در چنین فضایی ترغیباتی میکند. لذا روایت «صوموا سرّالله» یا «فرارا بدینه» خیلی بازتاب ندارد.

حتی بین آنها هم بازتاب ندارد. در اصل روایت دارد «من صام يوم الشك فقد عصى أبا القاسم ص[5] ». این جور روایت دارد. خوب هم هست. با این بیانی که من عرض میکنم اصلاًطبق فطرت تقنین حکیمی است که میخواهد شرعش بماند و آسیبپذیر نباشد، مستوعب هم باشد؛ یک امت وسیعی این را اجرا کنند. حالا به روایت خودمان بگردیم.

[1] الكافي (ط - الإسلامية)، ج۱، ص: ۶۸

[2] الأمالي (للمفيد)، النص، ص: ۲۸۳

[3] الكافي (ط - الإسلامية)، ج۷، ص: ۳۸۷: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيُّ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ لَهُ رَجُلٌ أَ رَأَيْتَ إِذَا رَأَيْتُ شَيْئاً فِي يَدَيْ رَجُلٍ أَ يَجُوزُ لِي أَنْ أَشْهَدَ أَنَّهُ لَهُ قَالَ نَعَمْ قَالَ الرَّجُلُ أَشْهَدُ أَنَّهُ فِي يَدِهِ وَ لَا أَشْهَدُ أَنَّهُ لَهُ فَلَعَلَّهُ لِغَيْرِهِ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَ فَيَحِلُّ الشِّرَاءُ مِنْهُ قَالَ نَعَمْ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فَلَعَلَّهُ لِغَيْرِهِ فَمِنْ أَيْنَ جَازَ لَكَ أَنْ تَشْتَرِيَهُ وَ يَصِيرَ مِلْكاً لَكَ ثُمَّ تَقُولَ بَعْدَ الْمِلْكِ هُوَ لِي وَ تَحْلِفَ عَلَيْهِ وَ لَا يَجُوزُ أَنْ تَنْسُبَهُ إِلَى مَنْ صَارَ مِلْكُهُ مِنْ قِبَلِهِ إِلَيْكَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَوْ لَمْ يَجُزْ هَذَا لَمْ يَقُمْ لِلْمُسْلِمِينَ سُوقٌ.

[4] المحاسن، ج۲، ص: ۴۹۵؛ الكافي (ط - الإسلامية)، ج۶، ص: ۳۳۹

[5] سنن أبي داود صوم ۱۰

بازبینی #1
ایجاد شده 7 ژوئن 2026 14:30:35 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 ژوئن 2026 14:34:09 توسط ... .